

بی دولتی دولت آرمان شهر

رابت نوزیک
ترجمہی محسن رنجبر



فهرست

۱	مقدمه
۹	سیاس‌گراری

بخش یک

نظریه‌ی وضع طبیعی، یا چطور بی آن‌که واقعاً نکوشیم به درون دولت
نارگردیم

۱۳	فصل یک / چرا نظریه‌ی وضع طبیعی؟
۲۱	فصل دو / وضع طبیعی
۴۳	فصل سه / قیده‌های اخلاقی و دولت
۷۷	فصل چهار / ممنوعیت، عرامت، خطر
۱۲	فصل پنج / دولت
۱۶۱	فصل شش / تأملاتی دیگر درباره‌ی برهان در دفاع از دولت

بخش دو

فراتر از دولت کمیته

۱۹۹	فصل هفت / عدالت توریعی
۳	فصل هشت / برابری، حسادت، بهره‌کشی، و حر آن‌ها
۳۵۵	فصل نه / مردم‌مالکی

هشت بی‌دولتی، دولت، آرمان‌شهر

بحث سه

آرمان‌شهر

۳۸۱ فصل ده / خارچویی برای آرمان‌شهر

۴۲۹ کتاب‌نامه

۴۳۷ نمایه

فصل یک

حرا نظریه‌ی وضع طبیعی؟

آیا اگر دولت وجود نمی‌داشت، لارم بود احرا عیش کنیم؟ آیا نه دولت بیار می‌داشتیم، و باید اختراع می‌شد؟ این پرسش‌ها برای فلسفه‌ی سیاست و برای نظریه‌ای که پدیده‌های سیاسی را شرح می‌دهد پیش می‌آید و نا کاوش در «وضع طبیعی» — اگر بخواهم از واژگان نظریه‌ی سیاسی سنتی استفاده کنم — جواب می‌گیرد دلیل استفاده‌ی دوباره از این مفهوم کهنه ناید سودمندی و گیرایی و دلالت‌های گسترده‌ی نظریه‌ای باشد که از آن به دست می‌آید برای حواندگانی — حواندگان کمتر اهل اعتمادی — که دوست دارند از قبل خاطر جمع شوند می‌گویم که این فصل در این ناره بحث می‌کند که چرا پی‌گرفتن نظریه‌ی وضع طبعی مهم است و چرا من فکر می‌کنم این نظریه سودمند خواهد بود دلایلی که در پاسخ به این دو پرسش عرصه می‌شود به‌ناچار قدری انتراعی و فوق نظری است بهترین دلیل خود نظریه‌ی سسط یافته است

فلسفه‌ی سیاست

پرسش بنیادین فلسفه‌ی سیاست، که بر پرسش‌های مربوط به چگونگی سازمان‌دهی دولت تقدم دارد، این است که آیا اصلاً دولتی باید در کار باشد چرا بی‌دولت باشیم؟ از آن‌جا که نظریه‌ی دولت‌گیرا — اگر پذیرفتنی باشد — تیشه

چگونه عمل کرده‌اند چیرهایی می‌داند، و عقایدشان با هم فرق دارد با نظر به اهمیت فراوان انتحاب بین دولت و بی‌دولتی شرط احتیاط این است که ملاک «کم‌س - بیشین»^۱ را به کار گیریم و روی برآوردی ندیبانه از وضع بی‌دولتی تمرکز کنیم، یعنی دولت را با وضع طبعی هابری که به ندیبانه‌ترین شکل توصیف شده است مقایسه کنیم اما در استفاده از ملاک کمین - بیشین، وضع هابری را ناند با دولت ممکن است که به ندیبانه‌ترین شکل توصیف شده است و از حمله با دولت‌های این چینی آینده مقایسه کنیم در چنین مقایسه‌ای بی‌گمان ندرتین وضع طبعی برنده خواهد شد از نظر کسانی که دولت را نعت آور می‌داند معیار کمین - بیشین خیلی قانع‌کننده نخواهد بود، مخصوصاً به این دلیل که به نظر می‌آید اگر نارگرداندن دولت مطلوب به نظر رسید، همیشه می‌توان چس کاری کرد از سوی دیگر، ملاک «بیشین - بیشین»^۲ بر اساس حوش‌بینانه‌ترین فرص‌ها در این ناره که اوصاع چگونه از کار درخواهد آمد پیش می‌رود - اگر مثالش را حواستید، گادوس^۳ اما حوش‌سی سس‌سخته هم آدمی را قانع نمی‌کند در حقیقت این‌ها به هیچ معیار تصمیم‌گیری پیشهاد شده‌ای برای انتحاب در وصعت بی‌اطمیانی قانع‌کننده است و به بیشینه کردن فایده‌ی انتظاری بر اساس احتمال‌های شکنده‌ای از این دست

به‌ویژه برای تعس این‌که ناید نکوشیم به چه هدف‌هایی برسیم بهتر است بر وضع بی‌دولتی‌ای تمرکز کنیم که افراد در آن معمولاً قیده‌های اخلاقی را رعایت می‌کنند و آن‌طور که ناید عمل می‌کنند همچو فرصی بی‌اندازه حوش‌بینانه نیست، چون فرص نمی‌کنیم که همگان دقیقاً همان‌طور که ناید عمل می‌کنند در عین حال، این وصعیّت از حس وضع طبعی بهترین وصعیّت دولت‌گیرانه‌ای است که معقول است در آرویش ناشیم لدا برای تعین این‌که ناید بی‌دولت ناشیم یا دولت ناشد، کاوش در چگونگی و کاستی‌های این وضع بسیار مهم است اگر کسی می‌توانست نشان دهد که دولت حتی از این مطلوب‌ترین وضع دولت‌سترنانه هم برتر می‌بود - از بهترین وضع دولت‌سترنانه‌ای که واقع‌بینانه می‌توان آرویش را داشت - یا دولت نا فرایندی پدید می‌آمد که گام احلاقاً ناروانی در آن برداشته

به ریشه‌ی کل موضوع فلسفه‌ی سیاست می‌رند، حوب است فلسفه‌ی سیاست را با کندوکاو در بدیل نظری اصلی‌اش آغار کنیم آن‌هایی که دولت‌گیری را مشربنی غیرحداب نمی‌داند این را نیر ممکن می‌داند که فلسفه‌ی سیاست همین‌جا به پایان برسد دیگران بی‌تابانه منتظر خواهند ماند که بنیسد بعد چه می‌شود با این حال، چنان‌که خواهیم دید، هم دولت‌گیران^۱ و هم دولت‌گیران، هم آن‌هایی که از انتدا آهسته‌آهسته سروکله‌شان پیدا شده و هم آن‌هایی که عاقبت قانع شده‌اند قیدش را برند، می‌تواند پدیدرند که شروع کردن فلسفه‌ی سیاست با نظریه‌ی وضع طبعی هدفی تمییی دارد (وقتی که معرفت‌شناسی را با تلاش برای رد شک‌اندیشی آغار می‌کند، چنین هدفی در کار نیست)

برای پاسح دادن به این پرسش که چرا بی‌دولتی حاکم باشد کدام وضع دولت‌گیرانه را ناید بررسی کنیم؟ شاید آن وضعی را که اگر به وضع سیاسی کوبی و به هیچ وضع سیاسی ممکن دیگری حاکم نمی‌بود، به وجود می‌آمد اما همچو وضعی اهمیت نظری بنیادین را نداد، تاره اگر نگدریم از این فرص بی‌دلیل که همه‌ی آدمیان همه‌جا در وضع بی‌دولتی مشابهی قرار می‌گرفتند و اگر نگدریم از اس‌که پی‌گیری این فرص خلاف واقع برای به دست آوردن وصعیتی مشحص چه سحت اسب اگر این وضع بی‌دولتی به قدر کافی هراساک می‌بود، به یقین دلیلی می‌شد تا از برچیدن یا نابود کردن یک دولت مشحص و حایگری کردن آن نا هیچ بهره‌ریم

نویدبخش‌تر می‌بود که بر توصیف انتزاعی بنیادینی تمرکز می‌کردیم که همه‌ی وصعیّت‌های مهم و ار حمله «اگر»، اکون چه وضعی می‌داشتیم» را در بر می‌گرفت اگر این توصیف ما را به قدر کافی می‌ترساند، دولت به عنوان چاره‌ای مرحح نمودار می‌شد که آن را همان قدر حوش‌شاید می‌یافتیم که رفتن به برد دندان‌پرشک را اما کم پیش می‌آید این گونه توصیف‌های هراس‌انگیر کسی را محاب کند، آن هم به‌فقط ندین خاطر که تسلی نمی‌آورد موضوعات روان‌شناسی و حامعه‌شناسی آن‌قدر نحیف‌اند که نمی‌توان چنین ندیبانه به همه‌ی حوامع و افراد تعمیمشان داد، مخصوصاً چون بحث واسته به این است که چنین فرص‌های ندیبانه‌ای دربارهی چگونگی کارکرد دولت در نظر بگیریم البته افراد در این ناره که دولت‌های موجود

1 minmax

2 maxmax

۳ ویلام گادوین (۱۷۵۶-۱۸۳۶) فیلسوف انگلسی که بحس ملع بی‌دولتی در دوران معاصر سناحه می‌شود و